

Words	ترجمه
take position	اتخاذ موضع
stance=position	موضع
officials	مقامات
conservatism	محافظه کاری
conception	مفهوم
contemporary	معاصر
traditionalism	سنت گرایی
individualism	فردگرایی
free market	بازار آزاد
inequality	نابرابری
abortion	سقط جنین
loyal	وفادار

as far as I know	تا آن جا که می دانم
era	دوره، زمانه
fundamental	بنیادین
flood	سیل
commemorate	محور بحث قرار دادن
break out	تسری یافتن
conceptual framework	چهارچوب مفهومی
distinguish between	تفاوت قائل شدن
oust	بیرون راندن
coherence	انسجام
absolutism	مطلق گرایی
fascism	فاشیسم
triumph	اوج پیروزی

exhaustion	از نفس افتادن
evident	مشهور، واضح و مشخص
viable	قابل قبول
witness	شاهد بودن
evolution	تکامل
mankind	بشری
equation	معادله
take the opportunity	از فرصت استفاده کردن
ethnic	قومیت
belt	کمربند
disintegrate	تجزیه
territory	قلمرو
activist	فعال

champion	قهرمان
coalition	ائتلاف
rebel	شورشى
off Indonesia	نزدیک/قرب اندونزی
run off	دور دوم [انتخابات]
militant	شبه نظامی
suspected	مشکوک، مظنون
amid=in the middle of	---
stability	ثبات
slipped on	پا را به آن طرف مرز گذاشت
submarine	زیردریایی
second strike	ضربه ی دوم
separation between church and state	جدایی دین و سیاست

distribute	توزیع
utilitarianism	سود و فایده
fare	منصف
Muslim Brotherhood	اخوان المسلمین
court	دادگاه
execution	اعدام
fallen	سقوط کرده
conquer	تسخیر کردن
occupy	تصرف کردن
ceasefire	آتش بس
rebels	شورشیان
port city	شهر بندری
truce	آتش بس

war-torn	جنگ زده
due to = because of	به خاطر
further = more	بیش تر
mark	گرامی داشتن، بزرگداشت
hardliner	تندرو
march	راهپیمایی کردن
amid	در میان
penalty	مجازات
referral	ارجاع
initiate	ابتکار
obey	اطاعت کردن
persuade	ترغیب کردن
time limit	ضیق وقت

blame	مقصر دانستن
orientation	محوریت، جهت گیری
in the wake of ...	در پرتو ...
Ottoman	عثمانی
Safavids	صفویه
defeat	شکست
take back	بازگرداندن
in days	ظرف چند روز آینده
police chief	رئیس پلیس
grave	مقبره
migrant	مهاجر
presence	حاضر
across all	سرتاسر

alongside	دوشادوش
will	عزم / اراده